

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره جدید، شماره ۲۴ (پیاپی ۲۱) زمستان ۸۷

بررسی بلوغ نحوی نوشتاری در دانش آموزان دوره

ابتدایی* (علمی - پژوهشی)

دکتر فریده یوسفی

استادیار دانشگاه شیراز

دکتر مسعود حسین چاری

استادیار دانشگاه شیراز

چکیده

تفاوت در رشد زبانی افراد صرفاً به روش کاربرد لغات، تعداد کلمات استفاده شده و بطور کلی واژه‌پردازی افراد محدود نیست. یکی از زمینه‌هایی که تفاوت‌های رشدی زبان را با آشکاری بیشتر نشان می‌دهد نحو گفتاری یا نوشتاری افراد است. پژوهش‌های مربوط به بلوغ نحوی، جستجو در این قلمرو را کانون تمرکز خود قرار داده‌است.

به منظور مطالعه بلوغ نحوی نوشتاری دانش آموزان دوره ابتدایی، داستانهای نوشته شده توسط ۱۸۴ دانش آموز پایه اول تا پنجم از دو مدرسه ابتدایی (شامل ۹۳ دختر و ۹۱ پسر) با استفاده از روش واحدهای پایانی هانت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج آماری این پژوهش حاکی است که بین گروه‌های سنی مختلف از لحاظ بلوغ نحوی نوشتاری تفاوت معنی‌دار وجود دارد و روند تفاوتها با افزایش سن هماهنگی و همسویی دارد به گونه‌ای که بین سن آزمودنیها و میانگین بلوغ نحوی نوشتاری همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد. هم چنین روند تفاوت‌های مشاهده شده در میانگین واحدهای پایانی هانت در این پژوهش، تابعی از سطح کلاسی آزمودنیهاست. از لحاظ طول متن، نوشته‌های دختران در مقایسه با پسران طولانی‌تر است؛ اما از نظر تعداد واحدهای پایانی بین دو گروه جنسیتی تفاوت معنی‌دار مشاهده نشد. یافته‌های این پژوهش در پرتو

نتایج پژوهشهای سایر پژوهشگران به بحث گذاشته شده است و تصویری هماهنگ از یافته‌های کلی به دست می‌دهد که اشارت به کارایی و بسندگی روش هانت برای اندازه‌گیری بلوغ نحوی نوشتاری کودکان فارسی زبان دارد. هم چنین به موانع و محدودیت‌های پژوهشی از یک سو و زمینه‌های پژوهشهای اضافی در این قلمرو از سوی دیگر، پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: زبان‌شناسی، بلوغ نحوی نوشتاری، نگارش دانش آموزان، نگارش دختران و پسران.

مقدمه

یکی از قلمروهای پژوهشی مشترک در روانشناسی رشد و زبان‌شناسی، مطالعه در باب چگونگی بلوغ نحوی و مراحل آن است. تفاوت‌هایی که در سخن گفتن و نیز بیان نوشتاری افراد همراه با افزایش سن پدید می‌آید، باعث شده است تا پژوهشگران علتهای عوامل فرایند رشد زبان را از دیدگاه دیگری مورد امعان نظر قرار دهند. از آنجا که تفاوت‌های رشد زبانی صرفاً به کاربرد لغات و واژه‌پردازی افراد یا چگونگی سخن گفتن در خصوص یک موضوع محدود نیست و در نحو^۱ گفتاری یا نوشتاری نیز آشکارا خود را نشان می‌دهد، حوزه معینی از پژوهشها به این مسئله پرداخته است که تحت عنوان کلی پژوهشهای مربوط به بلوغ نحوی^۲ از آنها یاد می‌شود. دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت و نیز متخصصان زبان‌شناسی برای توصیف و تبیین عینی و کمی موضوع بلوغ نحوی، روشهای مختلفی را پیشنهاد کرده‌اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

هانت^۳ (۱۹۶۵) برای مطالعه بلوغ نحوی، روشی را پیشنهاد کرد که در متون مربوط با عنوان روش واحد پایانی^۴ معروف است. در این روش هر متن نوشتاری از نظر تعداد کل شبه‌جمله‌های پایه (اصلی)^۵ و نیز شبه‌جمله‌های پیرو^۶ مرتبط با شبه‌جمله‌های پایه، مورد شمارش قرار می‌گیرد به گونه‌ای که هر جزء (اعم از پایه و پیرو) یا ترکیبی از یک شبه‌جمله پایه و نیز شبه‌جمله پیرو آن را می‌توان به مثابه یک جمله کامل در نظر گرفت. بدین‌سان، هر کدام از این اجزا - یا هر شبه‌جمله پایه به اضافه شبه‌جمله پیرو آن - را می‌توان یک واحد پایانی به شمار آورد. بنابراین هر جمله مرکب می‌تواند شامل دو واحد پایانی یا بیشتر باشد. هانت (۱۹۶۵) این واحدها را کمترین واحد پایانی^۷ نامید. وی با

استفاده از این روش و طی مطالعات خود نتیجه گرفت که میانگین طول واحدهای پایانی در هر متن نوشتاری- که با تقسیم کردن تعداد واحدهای پایانی بر تعداد کلمات آن متن به دست می آید- با سن افراد همبستگی مثبت و معنی داری را نشان می دهد به گونه ای که هر چه سن افزایش می یابد، میانگین واحدهای پایانی بیشتر می شود.

هانت (۱۹۷۰) یادآور می شود که روش خود را بر اساس این دیدگاه بنیان نهاده است که همراه با رشد سنی، توانایی گنجاندن اندیشه های بیشتری در یک جمله فزونی می یابد. البته روش هانت توسط پژوهشگران دیگری- از جمله ادانل^۸ و همکاران (۱۹۶۷)- پیگیری شد ولی در متون مربوط به نام روش هانت و به اختصار تحت عنوان " واحد تی"^۹ موسوم است؛ اگرچه بررسی پدیده رشد ذهنی در استفاده از جملات پیچیده یا گنجاندن اندیشه های بیشتر در یک جمله، پیش از هانت توسط میلر (۱۹۵۶) نیز به صورت دیگری مطرح شده بود. میلر (۱۹۵۶) معتقد است که افراد در جریان رشد ذهنی، اطلاعات دریافتی از محیط اطراف خود را به شکل پیچیده تری سازمان می دهند و بدین سان توان تولید و دریافت جملاتی را پیدا می کنند که از سازمان پیچیده تری برخوردار است.

هانت (۱۹۷۰) با مقایسه متنهایی که توسط دانش آموزان کلاس چهارم تا دوازدهم نوشته شده بود با متنهایی که توسط بزرگسالان متبحر در نویسندگی تهیه شده بود، نتیجه گرفت که در دانش آموزان با عطف به افزایش سطح کلاسی، نسبت تعداد لغات در متن به جمله ها فزونی می یابد؛ اما این نسبت شاخص مناسبی برای مطالعه بلوغ نحوی نوشتاری نیست، بلکه مناسبترین شاخص بدین منظور نسبت تعداد لغات متن به تعداد واحدهای پایانی است. البته نسبت تعداد واژه های متن به شبه جمله ها نیز از نظر کارایی برای مطالعه بلوغ نحوی در جایگاه بعدی قرار دارد و پس از آن می توان نسبت تعداد جمله ها به تعداد واحدهای پایانی را شاخص مناسبی در این زمینه دانست.

همان طور که در سطور پیشین ذکر شد، پس از هانت، ادانل و همکاران (۱۹۶۷) نیز طول واحد پایانی را به عنوان معیاری به منظور اندازه گیری رشد نحوی در بیان و نوشتار کودکان دبستانی و پیش دبستانی مورد استفاده قرار دادند. از نظر پژوهشگران (از آن جمله ملون^{۱۰}، ۱۹۶۷) میانگین طول واحد پایانی، روشی ساده، برخوردار از عینیت و مناسب برای بررسی چگونگی مهارتهای نحوی است. این یافته توسط لارسن و استورم^{۱۱} (۱۹۷۷) و

پوپ^{۱۲} (۱۹۷۸) نیز گزارش شده است. هم چنین مورنبرگ^{۱۳} و همکاران (۱۹۷۸) برای پژوهش در باب جمله‌سازی و بلوغ نحوی نوشتاری بین دانشجویان از روش هانت استفاده کرده‌اند. اُدائل (۱۹۷۶) این روش را سودمندترین شیوه برای مطالعه بلوغ نحوی می‌داند. باد^{۱۴} (۱۹۸۸)، کلیکان-اکر و سوانک^{۱۵} (۱۹۸۷) در بررسی نوشته‌های دانش‌آموزان کلاس سوم با استفاده از روش هانت نتیجه گرفتند که کودکان در داستانهای خودساخته از کلمات بیشتری در واحدهای پایانی استفاده می‌کنند. هم چنین ریچاردسون و همکاران (۱۹۷۶) به منظور بررسی رابطه بین طول متن با میانگین طول واحدهای پایانی در متن از روش هانت استفاده کردند. آنان در مطالعه‌ای که بر روی دانش‌آموزان یازده ساله انجام دادند، مسئله تفاوت‌های جنسیتی، طبقه اقتصادی-اجتماعی، محل تحصیل و پیشرفت تحصیلی را از نظر رشد نحوی مورد ارزیابی قرار دادند و دریافتند که رابطه معنی‌داری بین طول متن و طول واحدهای پایانی متن وجود دارد، ولی این رابطه از قوت و آشکاری چندانی برخوردار نیست که امکان پیش‌بینی میانگین طول واحدهای پایانی را بر اساس طول متن فراهم کند. علاوه بر این، محققان یادشده خاطر نشان می‌کنند که طول بیشتر متن ضرورتاً از بلوغ نحوی پیشرفته حکایت نمی‌کند. از سوی دیگر به لحاظ تفاوت‌های جنسیتی، این محققان دریافتند که نوشته‌های دختران از نظر طول متن بر نوشته‌های پسران برتری دارد (یافته‌ای که محققان پیشین و از جمله لابرات^{۱۶}، ۱۹۳۳؛ هارل^{۱۷}، ۱۹۵۷ نیز آن را گزارش کرده‌اند)، ولی از نظر میانگین طول واحدهای پایانی بین دختران و پسران تفاوت معنی‌داری نیست. این نبود تفاوت هنگام بررسی دانش‌آموزان متعلق به سطح اقتصادی-اجتماعی مختلف و نیز محلهای متفاوت تحصیل، ملاحظه می‌شود. البته در گزارش ریچاردسون و همکاران (۱۹۷۵) ایرادهایی بر روش هانت نیز وارد شده است؛ به عنوان مثال، گفته شده است که ساختار نوشتاری هر نویسنده تحت تأثیر موضوع نگارش و نیز سبک خاص وی در چگونگی بیان مطلب قرار دارد. اگر چه برخی پژوهشگران (مثلاً سیانی^{۱۸}، ۱۹۷۶؛ و فوکس^{۱۹}، ۱۹۷۲) شواهدی دال بر عدم کارایی روش هانت در مطالعه بلوغ نحوی ارائه کرده‌اند، یا باردووی^{۲۰} (۱۹۹۲) در مقایسه روش هانت و شیوه تحلیل متن برای توصیف پیچیدگی نوشتاری زبان دوم افراد بزرگسال از ناکارآمدی این روش سخن به میان آورده است، روشی که هانت (۱۹۷۰) برای اندازه‌گیری واحدهای پایانی در متون

نوشتاری پیشنهاد کرده، هم چنان یکی از شیوه‌هایی است که توسط محققان متعدد (حتی در سالیان اخیر) برای مطالعه بلوغ نحوی نوشتاری در ارتباط با جنبه‌های مختلف رشدی و تحصیلی مورد استفاده قرار گرفته است. از میان این پژوهشگران می‌توان به گایس^{۲۱} (۱۹۸۰)، ویلیامز^{۲۲} (۱۹۸۰)، وست^{۲۳} (۱۹۸۰)، ماتسوهاشی^{۲۴} (۱۹۸۱)، سلوان^{۲۵} (۱۹۸۳)، نئونر^{۲۶} (۱۹۸۵)، مک‌آندریو^{۲۷} (۱۹۹۰)، لاورفر و نیشن^{۲۸} (۱۹۹۵)، لی و همکاران (۱۹۹۶)، ماتیوس و همکاران (۱۹۹۷)، کلیکان-اکر و کاروی (۱۹۹۷)، سوتیلو (۲۰۰۲)، و گیست (۲۰۰۲) اشاره کرد.

در بررسی‌های علمی، مسئله بلوغ نحوی در مورد متغیرهای متفاوت و متعددی مورد جستجو قرار گرفته است؛ به عنوان نمونه، بین طول متنهایی که دانش‌آموزان می‌نویسند و نمره‌های درک مطلب خواندن و نیز نمره‌های آزمون تواناییهای عمومی^{۲۹} دانش‌آموزان رابطه همبستگی مثبت و معنی‌داری توسط ریچاردسون و همکاران (۱۹۷۶) گزارش شده است. این محققان بین ارزشیابی معلمان از پیشرفت تحصیلی و استعدادها، عمومی نیز با طول متن رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار به دست آورده‌اند. هم چنین از لحاظ رشد شناختی معلوم شده است که جنبه‌های مختلف تحول استدلال صوری^{۳۰} در نوجوانان همبستگی مثبت و معنی‌داری با بلوغ نحوی نوشتاری دارد که از طریق میانگین طول واحدهای پایانی متن، اندازه‌گیری شده است (لاوسون و شفرد، ۱۹۷۹). ریچاردسون (۱۹۷۷) بر آن است که کودکان متعلق به خانواده‌های گسترده از حیث تواناییهای نوشتاری تفاوت معنی‌داری با کودکان متعلق به خانواده‌های کوچکتر ندارند؛ چرا که سطح بلوغ نوشتاری آنان - با توجه به میانگین طول واحدهای پایانی - یکسان است.

در ایران نیز مطالعات چندی در رابطه با روش هانت صورت گرفته است که از جمله آنها مطالعهٔ علافچی (۱۳۷۷) است که در مورد ۵۲ کودک پنج تا شش ساله به بررسی رابطهٔ بین طبقه اجتماعی و سه متغیر میانگین طول واحدهای پایانی، میانگین تعداد واحدهای پایانی و میانگین تعداد واژه‌ها تحقیق کرد. او هم چنین رابطه بین میانگین طول واحدهای پایانی و جنسیت آزمودنیها را نیز مورد بررسی قرار داد. در این مطالعه، ابتدا از تمام آزمودنیها بر مبنای پنج تصویر مناسب کودکان، مصاحبه انفرادی به عمل آمد و سپس

متنهای مصاحبه‌ها به واحدهای پایانی یا تی- یونیت‌ها تجزیه شد. نتایج نشان داد که بین هیچ یک از متغیرهای مورد آزمون رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

مطالعه دیگر مربوط به صمیم بنی‌هاشم (۱۳۷۱) است که در آن با استفاده از روش هانت، ۴۶۵ متن نوشته شده توسط دانش آموزان ۱۲ تا ۱۷ سال فارسی‌زبان در شیراز مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس این مطالعه، بین افزایش میانگین سن و افزایش میانگین طول واحدهای پایانی و افزایش طول متن، همبستگی مثبت و معنی‌داری مشاهده شد. علاوه بر این، اگر چه میانگین طول واحدهای پایانی و میانگین طول متن در طبقه اجتماعی متوسط بیش از طبقه اجتماعی پایین بود، این تفاوت معنی‌دار نبود.

از آنجا که توفیق اجتماعی اعضای هر جامعه و بهره‌مندی آنان از امتیازات، تسهیلات و فرصتهای اجتماعی با چگونگی سازماندهی پیامهای گفتاری آنان رابطه‌ای مستقیم دارد (دیتمار، ۱۹۷۶) و نیز با توجه به ارتباط تنگاتنگ و متقابلی که بین تواناییهای گفتاری و نوشتاری وجود دارد، پرداختن به رشد و بلوغ نحو نوشتاری از حیث نظری، اهمیت قابل توجهی دارد. به لحاظ جنبه‌های عملی و کاربردی این پژوهش با توجه به ناکارآمدی روشهایی که در زمینه آموزش برای تعیین حدود رشد نحوی فراگیران چه در گفتار و چه در نوشتار مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌تواند قدمی در جهت ارائه یک معیار عینی برای سنجش بلوغ نحوی دانش آموزان در دروس مختلفی باشد که با آموزش زبان مادری (فارسی) به نوعی در ارتباط هستند. بدین‌سان، این پژوهش با هدف کاربرد روش هانت برای مطالعه بلوغ نحوی نوشتاری دانش آموزان ابتدایی در زبان فارسی در کمترین سطح خود می‌تواند افقی فراروی پژوهشگران و علاقه‌مندان بگشاید تا با استفاده از روشهای عینی و مناسب، معیارهایی برای تمایز متنهای خوب و کم‌مایه به کودکان آموخته شود. علاوه بر این، امکان سنجش پیشرفت در نحو نوشتاری می‌تواند برنامه‌ریزان آموزشی را در اندیشه تدابیری یاری‌رساند که از طریق آنها فرصتهای آموزشی هرچه بیشتر به بروز استعدادهای فراگیران در نحو نوشتاری منجر شود.

در مجموع می‌توان گفت این پژوهش برای جواب دادن به این سؤالات انجام شده است که: آیا می‌توان از روش هانت برای بررسی بلوغ نحوی نوشتاری دانش آموزان دوره ابتدایی در ایران بهره جست؟ آیا بین دختران و پسران دوره ابتدایی از لحاظ میانگین

طول واحدهای پایانی تفاوت معنی داری هست؟ آیا بین سطح کلاسی دانش آموزان دوره ابتدایی و میزان رشد نحو نوشتاری آنها رابطه‌ای وجود دارد؟

۲- روش

۲-۱- آزمودنیها

آزمودنیهای این مطالعه ۱۸۴ دانش آموز (۹۳ دختر و ۹۱ پسر) کلاسهای اول تا پنجم دو مدرسه ابتدایی در شهرستان شیراز بودند. ابتدا با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی، این مدارس انتخاب شد. سپس همه دانش آموزان شاغل به تحصیل در هر دو مدرسه به عنوان آزمودنیهای پژوهش مورد مطالعه قرار گرفتند.

۲-۲- ابزار سنجش

در این پژوهش برای بررسی بلوغ نحوی نوشتاری دانش آموزان از کتاب مصور و بدون متن "لانه" اثر وایلد اسمیت (۱۳۶۸) استفاده شد. در هر کلاس ابتدا به مدت دو دقیقه، تصاویر کتاب از ابتدا تا انتها به آزمودنیها نشان داده، و به آنها گفته شد "تصاویری که مشاهده می‌کنید به کتابی مربوط است که نویسنده آن فراموش کرده است، داستان آن را بنویسد! حالا اگر شما جای نویسنده بودید و می‌خواستید داستانی برای این تصاویر بنویسید چی می‌نوشتید؟ لطفاً داستان خود را روی ورقه‌ای که به شما داده شده است، بنویسید". لازم به ذکر است که در آغاز ورود به هر کلاس بعد از معرفی محقق به دانش آموزان و ارائه مقدمه‌ای در مورد پژوهش با تأکید بر استقلال فردی در نوشتن داستانها و اینکه هیچ پاسخ درستی در کار نیست، یک ورق کاغذ سفید A4 در اختیار آنان قرار می‌گرفت. اگر چه هیچ محدودیت زمانی برای نوشتن داستان وجود نداشت، همه دانش آموزان حداکثر در ۱۵ دقیقه کار خود را تمام می‌کردند و تحویل می‌دادند.

۲-۳- روش محاسبه واحدهای پایانی

برای تحلیل متن نوشتاری دانش آموزان از الگوی هانت (۱۹۶۵) برای شمارش تعداد واحدهای پایانی و واژگان هر متن استفاده شد. طبق این الگو هر چه تعداد واحدهای پایانی متن، کمتر، و تعداد واژگان متن بیشتر باشد به معنای این است که نویسنده از جملات پیچیده بیشتری استفاده کرده است و آن چنانکه کزدن^{۳۱} (۱۹۷۲) می‌گوید تعداد بیشتری اندیشه را با استفاده از گشتارهای درونه‌ای‌ساز^{۳۲} در جمله جای داده است. شمارش

تعداد واحدهای پایانی در متون فارسی با توجه به شباهت زیاد ساختار جمله در انگلیسی و فارسی و نیز بعد از مطالعه دقیق قطعه "مویی دیک" (هانت، ۱۹۷۰) که توسط خود هانت، واحدهای پایانی و واژگان آن تجزیه و تحلیل شده است به آسانی انجام گرفت. برای تعیین رشد بلوغ نحوی در هر متن، ابتدا برای هر کدام از دست نوشته‌های دانش آموزان به طور جداگانه، تعداد واژگان بر تعداد واحدهای پایانی یا واحدهای تی تقسیم شد و حاصل تقسیم به عنوان میانگین بلوغ نحوی در آن متن به حساب آمد.

۳- نتایج

جدول ۱، میانگین و انحراف معیار بلوغ نحوی نوشتاری را در کلاسهای اول تا پنجم نشان می‌دهد. همان گونه که از جدول بر می‌آید بین کلاسهای مختلف از لحاظ بلوغ نحوی نوشتاری تفاوت معنی‌دار وجود دارد [F(۴ و ۱۷۹) = ۲۱/۳۴، P < ۰/۰۰۰۰۱]، بدین صورت که هر چه سطح کلاسی افزایش می‌یابد، بلوغ نحوی نوشتاری دانش آموزان نیز بیشتر می‌شود.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار بلوغ نحوی نوشتاری در کلاسهای مختلف

کلاس	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار f	سطح معنی داری
اول	۳۳	۵/۶۹	۱/۱۵	۲۱/۳۴	۰/۰۰۰۰۱
دوم	۲۸	۶/۳۴	۱/۴۳		
سوم	۳۰	۷/۹۱	۱/۸۵		
چهارم	۴۲	۷/۹۵	۱/۷۹		
پنجم	۵۱	۸/۶۸	۱/۵۶		

آزمون تعقیبی توکی نیز نشان داد که بین کلاسهای اول با کلاسهای سوم، چهارم و پنجم و نیز کلاس دوم با کلاسهای سوم، چهارم و پنجم اختلاف معنی‌دار هست. خلاصه نتایج مقایسه‌های چندگانه بر اساس آزمون تعقیبی توکی در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون تعقیبی توکی برای کلاسهای مختلف

کلاسها	دوم	سوم	چهارم	پنجم
اول		*	*	*
دوم		*	*	*
سوم				
چهارم				

*بیانگر اختلاف معنی‌دار بین گروه‌ها است.

در این پژوهش، دختران و پسران در تعداد واژه‌ها و نیز میانگین بلوغ نحوی نوشتاری مورد مقایسه قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که نوشته‌های دختران از لحاظ طول متن تقریباً ۷۹ درصد از نوشته‌های پسران بیشتر بود. اما از لحاظ بلوغ نحوی نوشتاری، اگرچه میانگین پسران بیش از دختران بود، تفاوتها از لحاظ آماری معنی‌داری نبود ($P=0/06$ ، $t=1/92$). جدول ۳ میانگین و انحراف معیار بلوغ نحوی نوشتاری را در دختران و پسران نشان می‌دهد.

جدول ۳: میانگین و انحراف معیار بلوغ نحوی نوشتاری در دختران و پسران

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معنی‌داری
دختران	۹۳	۷/۷۷	۱/۸۴	۱/۹۲	۰/۰۶
پسران	۹۱	۷/۲۲	۲/۰۷		

از دیگر یافته‌های این پژوهش، تفاوت گروه‌های سنی مختلف از لحاظ میانگین بلوغ نحوی نوشتاری بود. در این رابطه، ابتدا آزمودنیها از نظر سنی به سه گروه مختلف تقسیم شدند و سپس عملکرد آنها از لحاظ میانگین بلوغ نحوی با یکدیگر مقایسه شد. جدول ۴، میانگین و انحراف معیار بلوغ نحوی نوشتاری را بر حسب گروه‌های سنی مختلف نشان می‌دهد. همان‌گونه که از جدول بر می‌آید بین گروه‌های سنی مختلف از لحاظ بلوغ نحوی نوشتاری تفاوت معنی‌دار وجود دارد [$P<0/00001$ ، $P=43/06$ (۱۸۱) و

F(۲)؛ بدین صورت که هر چه سطح سنی افزایش می‌یابد، بلوغ نحوی نوشتاری نیز بیشتر می‌شود.

جدول ۴: میانگین و انحراف معیار بلوغ نحوی نوشتاری در گروه‌های سنی مختلف

گروه‌های سنی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار f	سطح معنی داری
۷ تا ۸ سال	۵۳	۵/۸۲	۱/۴۰	۴۳/۰۶	۰/۰۰۰۱
۹ تا ۱۰ سال	۶۲	۷/۷۶	۱/۷۰		
۱۱ تا ۱۲ سال	۶۹	۸/۵۴	۱/۷۳		

آزمون تعقیبی توکی نیز نشان داد که بین گروه اول سنی (۷ تا ۸ سال) با هر یک از دو گروه سنی دیگر، تفاوت معنی دار وجود دارد. هم چنین تفاوت گروه سنی ۹ تا ۱۰ سال با گروه سنی ۱۱ تا ۱۲ سال نیز معنی دار بود. نتایج تحلیل اخیر در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج آزمون تعقیبی توکی برای گروه‌های سنی مختلف

گروه‌های سنی	۹ تا ۱۰ سال	۱۱ تا ۱۲ سال
۷ تا ۸ سال	*	*
۹ تا ۱۰ سال		*
۱۱ تا ۱۲ سال		

* بیانگر اختلاف معنی دار بین گروه‌ها است.

علاوه بر این، بین سن آزمودنیها و نمره‌های بلوغ نحوی نوشتاری آنان در کل نمونه نیز تحلیل همبستگی پیرسون انجام شد که نتیجه از رابطه‌ای مثبت و معنی دار بین این دو متغیر حکایت داشت ($r = ۰/۵۵$ ، $P = ۰/۰۰۰۱$)؛ بدین معنا که با افزایش سن کودکان، بلوغ نحوی نوشتاری آنان رو به فزونی می‌رود.

نتیجه

در این پژوهش موضوع بلوغ نحوی نوشتاری در دانش آموزان دوره ابتدایی مورد بررسی قرار گرفت. در سطور آینده یافته‌های این پژوهش در پرتو روند پژوهشی موجود و با توجه به منطق حاکم بر رشد انسان به بحث گذاشته خواهد شد. همان طور که در قسمت نتایج ملاحظه شد، بین سطوح مختلف کلاسی از لحاظ بلوغ نحوی نوشتاری، تفاوت‌های معنی‌دار هست. هر چه افراد در کلاسهای بالاتر باشند از لحاظ میانگین نمره‌های بلوغ نحوی نوشتاری، وضعیت بهتری دارند. این یافته از دو دیدگاه قابل بحث است: اول اینکه با آهنگ کلی رشد کودکان و نیز با روند پژوهشی موجود و از جمله با یافته‌های ریچارسون و همکاران (۱۹۷۶)، هانت (۱۹۶۵ و ۱۹۷۰)، دیویس (۱۹۳۷)، و هیدر و هیدر (۱۹۴۰) همسویی دارد. با مراجعه مکرر به اطلاعات قسمت نتایج این آهنگ رو به رشد را هم از لحاظ کلاسی و هم با توجه به گروه‌های سنی آشکارا می‌توان ملاحظه کرد؛ به تعبیر روشن‌تر، رشد منظم میانگین بلوغ نحوی نوشتاری، چه در نگاه از زاویه افزایش سن و چه با عطف به افزایش سطح کلاسی، بیانگر نوعی هماهنگی و همسانی در نتایج و در نهایت روایی درونی این پژوهش، و این همان چیزی است که دیدگاه دوم بحث این یافته را فراروی ما می‌گشاید. بدین سان می‌توان به اشارت دیگری از این یافته پرداخت و آن اینکه روش ارائه شده توسط هانت برای اندازه‌گیری بلوغ نحوی نوشتاری در کودکان فارسی زبان از کارایی و کفایت قابل قبولی برخوردار است.

آنچه در سطور پیشین ذکر شد، زمانی از استحکام و انسجام بیشتری برخوردار خواهد شد که یافته‌های دیگر این پژوهش مد نظر قرار گیرد: اول اینکه بین گروه‌های سنی مختلف از لحاظ میانگین واحدهای پایانی متون، تفاوت معنی‌دار وجود دارد و این تفاوت با روند رشدی افراد هماهنگ است؛ بدین معنا که گروه‌های سنی بالاتر، میانگین واحدهای پایانی بیشتری دارند و این امر بیان‌کننده بلوغ نحوی نوشتاری در آنان است. دومین یافته، رابطه همبستگی مثبت و معنی‌دار بین سن آزمودنیها و بلوغ نحوی نوشتاری است؛ به معنای اینکه هر چه سن افراد (صرف نظر از جنسیت) بیشتر بشود، میانگین واحدهای پایانی گنجانده شده در متون نوشتاری آنان نیز فزونی خواهد یافت.

یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش بیشتر بودن طول متون نوشته شده توسط آزمودنیهای دختر در مقایسه با پسران بود. ریچارسون و همکاران (۱۹۷۶) نیز یافته همانندی را گزارش کرده‌اند. به همین روش، لابرانت (۱۹۳۳)، و هارل (۱۹۵۷) نیز طول متن بیشتری را در نوشته‌های دختران به دست آوردند. در مجموع، غالب پژوهشهای روانشناختی که به گونه ای تفاوت‌های جنیستی را مورد جستجو قرار داده‌اند در این جهت بوده‌اند که دختران در مقایسه با پسران از لحاظ تواناییهای کلامی جایگاه برتری به خود اختصاص داده‌اند (سمدلری و تورستاد^{۳۳}، ۱۹۹۶؛ اوزر^{۳۴}، ۱۹۸۷؛ اسنو و واینستوک^{۳۵}، ۱۹۹۰؛ هارت و همکاران، ۱۹۹۲).

معنی دار نبودن تفاوت بین دو جنس از لحاظ بلوغ نحوی نوشتاری - به رغم اینکه طول متن نوشته‌های دختران بیش از پسران بود - بدین مطلب اشارت دارد که لزوماً طولانی بودن جمله به معنای گنجاندن اندیشه‌های بیشتر و پیچیده‌تر در آن جمله نیست. در این زمینه نیز برخی پژوهشگران (مثلاً ریچارسون و همکاران، ۱۹۷۶) بر تأثیر نپذیرفتن بلوغ نحوی نوشتاری از جنسیت صحه گذاشته‌اند.

از جمله موانع و محدودیتهایی که فراروی علاقه‌مندان به پژوهش در حیطه بلوغ نحوی کودکان دوره‌های پایین‌تر تحصیلی رُخ می‌نماید، نبودن پژوهشهایی است که بلوغ نحوی در فارسی‌زبانان را مورد امعان نظر قرار داده باشد. همین امر باعث می‌شود تا بستر علمی لازم به منظور فرضیه‌پردازی و حتی پژوهشهای بیشتر در این حیطه با نوعی اکراه و دشواری همراه باشد.

یکی از مواردی که به توضیح و تبیین بیشتر با عطف به نتایج پژوهشهای کنترل شده نیاز دارد، مسئله تأثیر آموزشهای رسمی بر بلوغ نحوی کودکان است. می‌توان با بررسی بلوغ نحوی گفتاری کودکانی که به نوعی از آموزش رسمی برکنار بوده‌اند و مقایسه این کودکان با همگنان دانش‌آموز آنها این سؤال را پاسخ داد؛ کاری که انتظار می‌رود پژوهشگران آینده با طراحی و پژوهشهای علمی و دقیق از عهده آن برآیند. تکرار پژوهشهایی همانند با آنچه گزارش شد با استفاده از نوشته‌هایی که کاملاً با فرهنگ ایرانی منطبق باشد، زمینه‌ای دیگر از پژوهش فراروی علاقه‌مندان قرار می‌دهد. بررسی کتابهای درسی دانش‌آموزان (از جمله کتابهای دستور زبان فارسی یا نگارش و آرایه‌های ادبی)

موضوع جالبی است که می‌تواند به بوته جستجوی علمی سپرده شود. باید چشم به طلعت آینده دوخت و همت بلند پژوهشگران را به چالش فراخواند.

یاداشتها

- 1 - syntax
- 2 - syntactic maturity
- 3 - Hunt
- 4 - The terminal unit (T-unit)
- 5 - subordinate clause
- 6 - subordinate clause
- 7 - minimal terminable unit
- 8 - O' Danel
- 9 - T-unit
- 10 - Mellon
- 11 - Larsen & Storm
- 12 - Pope
- 13 - Morenberg
- 14 - Budd
- 15 - Klecan-Aker & Swank
- 16 - La Brant
- 17 - Harrel
- 18 - Ciani
- 19 - Fox
- 20 - Bardovi
- 21 - Gaies
- 22 - Williams
- 23 - West
- 24 - Matsuhashi
- 25 - Sloan
- 26 - Neuner
- 27 - McAndrew
- 28 - Laufer & Nation
- 29 - General abilities test
- 30 - Formal reasoning
- 31 - Cazden
- 32 - Sentence Embedding Transformation
- 33 - Smedler & Torestead

³⁴ - Ozer

³⁵ - Snow & Weinstock

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- صمیم بنی هاشم، ابوالحسن. (۱۳۷۱). مطالعه رشد نحوی نوشتاری در میان دانش‌آموزان. رساله منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
- ۲- علافچی، جواد. (۱۳۷۷). رابطه بین طبقه اجتماعی و گونه گفتاری از نظر پیچیدگی نحوی. رساله منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
- ۳- وایلد اسمیت، برایان. (۱۳۶۸). لانه. تهران: نشر پویا.

منابع انگلیسی

- 1-Bardovi, H. K. (1992). A second look at T-Unit analysis. Reconsidering the sentence. *TESOL Quarterly*, 26, 2, 390-395.
- 2-Budd, R. (1988). Measuring proficiency in using English syntax. *System*, 16, 2, 171-185.
- 3-Cazden, C. B. (1972). *Child language and education*. New York: Holt, Rinehart & Winston.
- 4-Ciani, A. J. (1976). Syntactic maturity and vocabulary diversity in the oral language of first, second, & third grade students. *Research in the Teaching of English*, 10, 2, 150-156.
- 5-Davis, E. A. (1937). Mean sentence length compared with long and short sentences as a reliable measure of language development. *Child Development*, 8, 69-69.
- 6-Dittmar, N. (1976). *Sociolinguistics: A critical survey of theory and application*. Translated from German by Peter Sand A. M Sevren and Kevin Whiteley Edward Arnold. Great Britain.
- 7-Fox, S. E. (1972). Syntactic maturity and vocabulary diversity in the oral language of kindergarten and primary school children. *Elementary English*, 49, 489-496.
- 8-Geist, E. A. (2002). The effect of using written retelling as a teaching strategy on students performance on the T)WL-2. *Journal of Instructional Psychology*, 1-10.
- 9-Harrell, L. E., Jr. (1957). A comparison of the development of oral and written language in school age children. *Monographs of Society for Research in Child Development*, 22 (3, Serial No. 66).

- 10-Hart, B. P., Colenda, C. C., Dougherty, L. M., & Wade, J. B. (1992). Recall of clustered and unclustered word lists in elderly adults *Journal of Clinical Psychology*, 48, 3, 341-354.
- 11-Heider, F. K., & Heider, G. M. (1940). A comparison of sentence structures of deaf and hearing children. *Psychological Monograph*, 52, 42-103.
- 12-Hunt, K. W. (1965). *Grammatical structures at three grade levels*. Illinois, National Council of Teachers of English.
- 13-Hunt, K. W. (1970). Syntactic maturity in school children and adults. *Monographs Society for Research in Child Development*, 35, No. 1.
- 14-Gaies, S. J. (1980). T-Unit analysis in second language research: Applications, problems and limitation. *TESOL Quarterly*, 14, 1, 3-60.
- 15-Klecan-Aker, J. S., & Caraway, T. H. (1997). A study of the relationship of storytelling ability and reading comprehension in fourth and sixth grade African-American children. *European Journal of Disorders of Communication Sciences and Disorders*, 31, 1, 109-125.
- 16-Klecan-Aker, J. S., Mcingvale, G. K., & Swank, P. R. (1987). Stimulus consideration in narrative analysis of normal third grade children. *Language and Speech*, 30, 1, 13-24.
- 17-La Brant, L. (1933). A study of certain language development of children in grades 4-12 inclusive. *Genetic Psychology Monographs*, 14, 387-497.
- 18-Larsen, F. D., & Storm, V. (1977). The construction of a second language acquisition index of development. *Language Learning*, 27, 1, 123-134.

- 19-Laufer, B., & Nation, P. (1995). Vocabulary size and use: Lexical richness in L2 written production. *Applied Linguistics*, 16, 3, 307-322.
- 20-Lawson, A., & Shepherd, G. D. (1979). Written language maturity and formal reasoning in male and female adolescents. *Language and Speech*, 22, 2, 117-124.
- Li, E. C., Della-Volpe, A., Ritterman, S., & Williams, S. E. (1997). Variation in grammatical complexity across three types of discourse. *Journal of Speech Language pathology and Audiology*, 20, 3, 180-186.
- 21-Matsushashi, A. (1981). Pausing and planning: The tempo of written discourse production. *Research in the Teaching of English*, 15, 2, 113-134.
- 22-Mattews, M. W., Monsaas, J. A., & Penick, J. M. (1997). A comprehensive study of the literacy development of at-risk children in graded versus non-graded classrooms. *Reading Research and Instruction*, 36, 3, 225-239.
- 23-McAndrew, D. A. (1990). Handwriting rate and syntactic fluency. *Journal of Basic Writing*, 9, 1, 31-39.
- 24-Mellon, J. C. (1967). *Transformational sentence-combining: A method for enhancing the development of syntactic fluency in English composition*. Report to the U.S. Office of Education, Cooperative Research Project, No. 5-8418.
- 25-Miller, G. A. (1956). The magic number seven, plus or minus two. *Psychological Review*, 63, 81-97.

- 26-Morenberg, M., Daiker, D., & Kerek, A. (1978). Sentence combining at the college level: An experimental study. *Research in the Teaching of English*, 12, 3, 245-256.
- 27-Newner, J. L. (1985). Text studies and teaching: Lessons from cohesion analysis. *English Record*, 36, 4, 8-12.
- 28-O'Donnell, R. C. (1976). A critique of some indices of syntactic maturity. *Research in the Teaching of English*, 10, 1, 31-38.
- 29-O'Donnell, R. C., Graffin, W. J., & Norris, R. C. (1967). *Syntax of Kindergarten and elementary school children: A transformational analysis*. National Council of Teachers of English Research Report No. 8. Champaign, III. National Council of Teachers of English.
- 30-Ozer. D. J. (1987). Personality, intelligence, and spatial visualization: Correlates of mental rotations test performance. *Journal of Personality and Social psychology*, 53, 1, 129-134.
- 31-Pope, M. (1978). Syntactic maturity of students' oral paraphrases. *Research in the Teaching of English*, 12, 1, 29-36.
- 32-Richardson, K. (1977). Reading attainment and family size: An anomaly. *British Journal of Educational Psychology*, 47, 1, 71-75.
- 33-Richardson, K., Kalnan, M., Essen, J., & Lambert, L. (1976). The linguistic maturity of 11 year olds: Some analysis of the written composition of children in the national child development study. *Journal of Child Language*, 31, 99-115.

- 34-Semedler, A. C., & Torestad, B. (1996). Verbal intelligence: A key to basic skills. *Educational Studies*, 22, 3, 343-356.
- 35-Sloan, G. (1983). Transitions: Relationships among T-Units. *College Composition and Communication*, 34, 4, 447-453.
- 36-Snow, W. G., & Weinstock, J. (1990). Sex differences among non-brain damaged adults on the Wechsler Adult Intelligence Scales: A review of the literature. *Journal of Clinical and Experimental Neuropsychology*, 12, 6, 873-886.
- 37-Sotillo, S. M. (2000). Discourse functions and syntactic complexity in synchronous and asynchronous communication. *Language Learning and Technology*, 4, 1, 82-119.
- 38-West, G. K. (1980). That-nominal constructions in traditional theoretical divisions of scientific research papers. *TESOL Quarterly*, 14, 4, 483-488.
- 39-Williams, J. M. (1980). Non-linguistic linguistic and the teaching of style. *Language and Style*, 13, 3, 24-40.